بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

مطهرات حکم اوانی و ظروف جلسه15..13/4/1400

مطلب اول : کاسه ای که طلا کاری شده آب خوردن از آن قسمت طلا حرام است و باید لب خود را بر قسمتی که طلا دارد نگذارد دلیل مساله صحیحه عبد الله ابن سنان است چون در صحیحه امر کرده که و اعزل فمک عن موضع الفضة و مشهور فقها این نظر را دارند و صاحب جواهر هم ادعا کرده که بین قدما و متاخرین مخالفی ندیدم و مختار ما هم همین قول است

جمعی از فقها مثل محقق در معتبر و آقای موسوی در المدارک فتوای به حرمت ندارند بلکه فتوا به استحباب دارند یعنی مستحب است دهان خود را بر روی نقره و طلا نگذارد و مرحوم امام ره یحرم را مقید به احوط کردند البته احتیاط وجوبی و اگر احتیاط مستحب باشد با محقق یکی می شود و اگر احتیاط واجب باشد با قول اول یکی می شود

حال دلیل مخالفت با مشهور چیست ؟ به دو قرینه امر اعزل را حمل بر استحباب می کنند ،

قربنه اول : صحیحه معاویه بن وهب است که از امام علیه السلام پرسید که آیا آشامیدن از ظرفی که قطعات نقره دارد اشکال دارد ؟ امام علیه السلام فرمودند لا بأس و سوال نکرد که آیا از آن قسمت نقره آب بخوری یا از آن قسمتی که نقره ندارد آب بخوری و از این ترک استفصال بدست می آوریم که امر به عزل امر مستحبی است چون اگر واجب بود امام علیه السلام لا بأس نمی فرمودند

قرینه دوم : ادامه روایت است که مرحوم صدوق در خبر بُرید ادامه اش را نقل کرد و ادامه اش این است که فان لم یجد بُدَّ من الشراب فی القدح المفضض عدل بفمه عن موضع مفضض ، که اگر از نوشیدن از کاسه نقره کوب چاره ای نداری از آن محل نقره دهان خود را منحرف کن به طوری که دهان خود روی نقره قرار نگیرد ظاهر این روایت برید این است که گذاشتن دهان روی نقره حرام نیست و مکروه است چون در اول حدیث برید کلمه کره آمده کره الشرب فی القدح المفضض ، که حرام است خوردن از کاسه نقره دار دوباره درادامه می فرماید اگر ناچاری دهان خودتان را بر روی نقره نگذارید لازمه اش این است که قرار دادن دهان روی نقره مکروه باشد نه حرام چون اول حدیث آشامیدن از کل این ظرف را حرام می داند و ادامه این حدیث آشامیدن بخشی از این ظرف را حلال می داند جمع بینشان این است که آشامیدن از ظرف نقره دار مکروه است ، جواب این دو تا قرینه این است که :

اولا : عموم صحیحه معاویه بن وهب به توسط صحیحه ابن سنان تخصیص می خورد در روایت معاویه امام به نحو عموم فرمودند شرب از کاسه نقره کوب اشکالی ندارد و در روایت ابن سنان فرمود لب را بر روی نقره نگذار پس این روایت مخصص عموم روایت معاویه می شود که آشامیدن از هر قسمتی که نقره ندارد جایز است ، اشتباه قول دوم این است که بین این دو روایت جمع کردند و جمع کردند که امر به عزل را امر به استحباب کردند درحالی که در اصول بحث شده که در دروان بین تخصیص و جمع ، تخصیص مقدم است

اما جواب قرینه دوم : اتفاقا قرینه بر این است که گذاردن دهان خود بر روی نقره حرام است و گذاردن دهان خود بر بقیه کاسه اشکالی ندارد ولی مشکل این است که چطور اول حدیث کراهت و در اخر حدیث جواز باشد گفتیم در یک روایت کراهت را می توان در دو معنا استفاده کرد نه از باب استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد بلکه از باب استعمال لفظ در قدر جامع و اینجا قدر جامع ممنوعیت است بین حرمت و کراهت اصطلاحی است پس کره در صدر خبر برید به معنای ممنوعیت است و ممنوعیت مشترک بین حرمت و کراهت است و در مقام استعمال و قرینه معینه می خواهد که معین کند که کجا حرام و کجا جایز است و قرینه معینه هم روایت و اجماع داریم که گذاشتن لب بر نقطه نقره کوب کاسه جهت آشامیدن حرام است و بر غیر آن موضع مکروه است